

**Investigating the political attitude of
Salafi Jihadi groups towards the role of women in Jihad**

Received: 2022/10/11

Accepted: 2022/12/07

Mahdi Yusefi-Taha^{*}**Mehdi Faramanian**^{**}**Majid Dehqan**^{***}

(287-310)

Salafi-jihadi groups are among the extreme Islamist currents that adhere to a specific interpretation of Islam. Considering the increasing importance of gender violence in jihadist Salafi groups that claim to be Islamic, understanding the operational and symbolic role of women is very important to deal with the threat of these groups at the global level. Women are not only disproportionately victimized in modern conflicts, but also play an important role in the tactical operations of Salafi-jihadi groups. Salafi-jihadi groups' attitudes towards the role of women have evolved from support activities in the front lines to active participation on the battlefield. This evolution has reached from preparing weapons, providing food for fighters, nursing the wounded and spreading the jihadi ideology to recruiting new members, to the real participation of women in jihadi operations on the battlefield or carrying out suicide bombing operations. These developments are in conflict with the ideological principles of these groups; Therefore, we are faced with this main question: what is the attitude of jihadist Salafi groups towards the role of women in jihad? The findings of the research show that the attitude of these groups towards the role of women is changing from a traditional role to an active and radical role. This change in some cases depends on different conditions and strategies. The author is trying to analyze the details of the change in the role of women in jihadist Salafi groups and also the contradictions in this field with descriptive-analytical method.

Keywords: Women, Salafi-jihadi groups, Salafi-jihadi, ISIS, Al-Qaeda, Boko Haram

*. PhD student of women's rights in Islam, Faculty of Women and Family, University of Religions and Religions, Qom, Iran, Mahdiyusefitaha@gmail.com.

.**Associate Professor, Department of Islamic Religions, Faculty of Islamic Religions, University of Religions and Religions, Qom, Iran, m.faramanian@chmail.ir.

***. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law ,Faculty of Women and Family, University of Religions and Religions, Qom ,Iran, dehghan@wrc.ir.



بررسی نگرش سیاسی گروه‌های سلفی جهادی به نقش زنان در جهاد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

مهدی یوسفی طاهّا، مهدی فرمانیان**، مجید دهقان***

(۲۸۷-۳۱۰)

چکیده

گروه‌های سلفی جهادی جزو جریان‌های اسلام‌گرای افراطی محسوب می‌شوند که به تفسیر خاصی از اسلام پایبند هستند. با توجه به اهمیت روزافزون خشونت جنسیتی در گروه‌های سلفی جهادی که مدعی فعالیت اسلامی‌اند، درک نقش عملیاتی و نمادین زنان برای مقابله با تهدید این گروه‌ها در سطح جهانی بسیار حائز اهمیت است. زنان نه تنها به‌طور نامتناسبی قربانی درگیری‌های مدرن شده‌اند، بلکه نقش مهمی را در عملیات تاکتیکی گروه‌های سلفی جهادی ایفا می‌کنند. نگرش گروه‌های سلفی جهادی نسبت به نقش زنان، از فعالیت‌های پشتیبانی در خطوط تا مشارکت فعال در میدان جنگ تکامل یافته است. این تکامل از تهیه سلاح، تدارک غذا برای مبارزان، پرستاری از مجروحان و گسترش ایدئولوژی جهادی تا جذب اعضای جدید، به مشارکت واقعی زنان در عملیات‌های جهادی در میدان رزم یا انجام عملیات بمب‌گذاری انتحاری رسیده است. این تحولات با اصول ایدئولوژیک این گروه‌ها در تعارض است؛ بنابراین با این سؤال اصلی مواجه هستیم که گروه‌های سلفی جهادی چه نگرشی به نقش زنان در جهاد دارند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نگرش این گروه‌ها نسبت به نقش زنان، از یک نقش سنتی به یک نقش فعال و رادیکال در حال تغییر است. این تغییر در برخی موارد بستگی به شرایط و استراتژی‌های مختلف دارد. نویسنده

*. دانشجوی دکتری حقوق زن در اسلام، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول). Mahdiyusefitaha@gmail.com.

** . دانشیار گروه مذاهب اسلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، m.farmanian@chmail.ir.

*** . ستادیار گروه فقه و حقوق، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، dehghan@wrc.ir.

درصد است با روش توصیفی - تحلیلی، جزئیات تغییر نقش زنان در گروه‌های سلفی جهادی و همچنین تناقضات موجود در این زمینه بررسی شود.
واژگان کلیدی: زنان، گروه‌های سلفی جهادی، سلفی جهادی، داعش، القاعده، بوکوحرام

بیان مسئله

ظهور جریان‌های «سلفی جهادی» و گروه‌های تکفیری نقطه شروع جدیدی در پیچیدگی پدیده تروریسم و خشونت در دوران معاصر است، موجی که به دنبال تأسیس خلافت اسلامی است. در این موج بر اساس تفکر سلفی جهادی، نظام‌های سیاسی، حقوقی و اقتصادی باید مطابق اسلام باشد و جامعه اسلامی باید از رفتارهای غیراسلامی و غربی پاک شود. به این منظور جهاد و خشونت روشی مناسب و ضروری برای مقابله با حملات غرب و حاکمان فاسد کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. ایدئولوژی سلفی - جهادی تغذیه کننده فکری بسیاری از گروه‌های مسلح مانند القاعده، داعش و بوکوحرام بوده است. هدف این گروه‌ها پاک کردن جامعه اسلامی از رفتارهای غیراسلامی است. ریشه‌های این دیدگاه را ممکن است در حرکت‌های رادیکال جهادی در دهه ۱۹۸۰ میلادی در مصر پیدا کرد. این گروه‌ها متون اسلامی را بازتفسیر و بر آیات جهاد بسیار تأکید می‌کردند.

حضور زنان در تروریسم جهادی پدیده جدیدی نیست. به دلیل ساختار مردسالارانه و ایدئولوژی جنسیتی سنتی که این سازمان‌ها از آن پیروی می‌کنند به صورت سنتی زنان را تابع نقش‌های مادری و همسری می‌دانند. (Bloom, 2007) با وجود تمایل این گروه‌های تروریستی به تحکیم ساختار مردسالارانه و ایدئولوژی جنسیتی سنتی و تأیید نقش‌های محدود برای زنان، تحولاتی نیز قابل مشاهده است. به عنوان مثال، در اوایل سال ۲۰۱۸، داعش ویدئویی را منتشر کرد که در آن سه زن جهادگر را در میدان جنگ با تفنگ‌های نیمه خودکار در کنار هم‌تایان مرد خود نشان می‌داد. این ویدئو نشان‌دهنده تغییر در رویکرد داعش به نقش زنان بوده و اشاره به این دارد که این گروه محدودیت‌های ایدئولوژیک خود را در خصوص نقش زنان تغییر داده است.

زنان در گروه‌های سلفی جهادی عمدتاً در نقش‌هایی مانند تهیه غذا و مراقبت از مجروحان مشغول به فعالیت بوده‌اند. اما در دوران اخیر، این نقش‌های سنتی دست‌خوش تغییر شده و زنان به نقش‌هایی فعال‌تر و پویاتر در زمینه‌های نبرد و جهاد پرداخته‌اند. این تحول نشان از تغییر عمده در تصویر نقش زنان در این گروه‌ها دارد، زیرا آن‌ها اکنون به‌عنوان عناصر فعال در انجام عملیات‌های انتحاری شرکت می‌کنند که نشان‌دهنده تعامل مستقیم در میدان‌های نبرد و جهاد می‌باشد.

برای مثال استراتژی القاعده در قبال زنان تغییر کرده است. پس از این‌که ایمن الظواهری اعلام کرد که در سازمان، به‌ویژه در حوزه میدان، جایی برای زنان وجود ندارد؛ زیرا که زن وظایفی در صفوف عقب و صرفاً وظایف سنتی دارد، (الظواهری، ۲۰۱۰: ۵۲۰) ابو مصعب الزرقاوی سیاست جدیدی را آغاز نمود و خواستار استفاده از بمب‌گذاران انتحاری زن شد. از آنجایی که جذب آن‌ها نسبت به استخدام مردان کم‌هزینه‌تر است و به دلیل داشتن حریم خصوصی، سهولت در رفت‌وآمد و آداب‌ورسوم جوامع عربی، از نظر نتایج نسبت به مردان فرصت‌ها و گزینه‌های بیشتری برای رسیدن به اهداف خود پیدا می‌کنند؛ اما این نگرش با مبانی فکری این گروه‌ها تعارضاتی را ایجاد کرده بود.

با گسترش ایدئولوژی سلفی جهادی و افزایش دخالت زنان در گروه‌های تکفیری، پرسش مهمی پیش آمد؛ چرا نقش زنان در ساختار اجتماعات اسلامی (مادری و همسری)، به نقش‌های عملیاتی و حتی رزمندگی در این گروه‌ها تغییر پیدا کرده است؟ آیا این تغییرات نقش زنان در گروه‌های سلفی جهادی تنها نتیجه‌ای از شرایط اجتماعی و تحولات فرهنگی هستند، یا تحت‌تأثیر عوامل ایدئولوژیک و سیاسی نیز قرار دارند؟ این مقاله با روش مطالعه تبیینی و گفتمانی به دنبال تبیین این مسئله و بررسی نگرش‌ها و دیدگاه‌های گروه‌های سلفی جهادی نسبت به نقش زنان در جهاد می‌باشد.

پیشینه

از جهت پیشینه در ارتباط با موضوع به‌صورت مستقیم آثاری که به واکاوی این موضوع پرداخته باشد نگاشته نشده است؛ اما مقالاتی با تحلیل کمتر منتشر شده که به‌اختصار اشاره

می‌شود. مهدی فرمانیان در تحقیقی با عنوان «زن از منظر سلفیه» به زن از نظر بزرگان سلفی می‌پردازد. پژوهشی دیگر با عنوان «تبیین جایگاه زن در اندیشه جریان‌های سلفی معاصر» به مبانی اندیشه‌ای و فقهی جریان‌های سلفی می‌پردازد. همچنین در تحقیقی با عنوان «گفتمان زن در شیعه و سلفیه و دلایل تحول آن در گفتمان شیعه» وضعیت تبعیض جنسیتی بررسی می‌شود.

این پژوهش با تکمیل تحقیقات پیشین نشان می‌دهد نقش زنان در گروه‌های سلفی جهادی از نقش‌های سنتی به نقش‌های مدرن و فعال تغییر کرده است و این تحولات تأثیر مستقیمی بر روی استراتژی‌ها و تاکتیک‌های این گروه‌ها در عملیات جهادی دارد. نوآوری این پژوهش از این جهت است که به بررسی تحول نقش‌ها در گروه‌های سلفی جهادی بپردازد و نشان دهد که نقش‌های زنان مکمل نقش مردان بوده است و زنان بخشی جدایی‌ناپذیر از جهادگرایی معاصر را تشکیل می‌دهند که تغییر نقش‌ها رابطه مستقیمی با موقعیت‌های خاص برای گروه‌های سلفی جهادی دارد و آنچه ملاحظات تاکتیکی بود به انتخاب استراتژیک تبدیل شد.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق از دو بُعد کلیدی تشکیل می‌شود: ۱. ادبیات متون روایی و تاریخی اسلامی به نقش زنان در جهاد: با تکیه بر مطالب ارائه شده در مقاله، در این بُعد از چارچوب نظری، ادبیات کلاسیک اسلامی برای بهبود فهم از نقش زنان در جهاد اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه تاریخی و روایی در این زمینه به تفصیل، محدودیت‌ها و تعارضات نگرش‌ها را مشخص می‌سازد. نگرش‌های اولیه گروه‌های سلفی جهادی به نقش زنان و روایت‌هایی که در مورد زنان جهادگر از آغاز اسلام و در کنار پیامبر اسلام ﷺ ارائه شده، در این بُعد مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. تحول نگرش‌ها و عوامل مؤثر: این بُعد تأکید دارد تحولات نگرش‌های گروه‌های سلفی جهادی به نقش زنان در جهاد اسلامی تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفته است. عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک که مطالب قبلی ارائه شده اشاره به آن‌ها

دارد، در این بُعد به تحلیل و تبیین اثرات تغییر نگرش‌ها بر نقش زنان می‌پردازد. همچنین، تحلیل تأثیر رسانه‌ها و فعالیت‌های گروه‌های سلفی جهادی در تحولات نگرش‌ها جزو اهمیت‌های این بُعد است.

باتوجه به این دو بُعد اساسی، این تحقیق به تحلیل تحول نگرش‌ها و نقش زنان در گروه‌های سلفی جهادی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با بررسی عمیق و دقیق تغییرات در نگرش‌ها، تناقضات موجود در گفتمان و عملکرد این گروه‌ها را به‌وضوح بیان کند.

مفهوم‌شناسی

در این بخش، به بررسی اصول و مفاهیم اساسی مرتبط با گروه‌های سلفی جهادی پرداخته می‌شود. این بخش به‌منظور روشن‌تر کردن مفاهیم موجود در حوزه تحقیقاتی، به نگارش معنای دقیق اصطلاحات، ایدئولوژی‌ها و بنیان‌های فکری این گروه‌ها می‌پردازد. از جمله نقاط موردتوجه در این بخش، مفهوم سلفی جهادی و پیوند آن با اندیشه اخوان المسلمین، شیوه جنبشی سید قطب، فقه سیاسی ابن تیمیه و مکتب سلفیه به همراه میراث فقهی اعتقادی دعوت وهابی است. علاوه بر این، مفاهیم القاعده، داعش و بوکوحرام نیز به‌عنوان سه گروه اصلی در این حوزه، به‌تفصیل بررسی می‌شوند. این رهیافت مفهومی به مخاطبان کمک می‌کند تا با درک دقیق‌تر از مفاهیم کلیدی موضوع، به تحلیل عمیق‌تری از تحولات و ایدئولوژی‌های این گروه‌ها بپردازند.

الف) سلفیه جهادی: ابو مصعب السوری نظریه‌پرداز جهادی اصطلاح سلفیه جهادی را چنین تعریف می‌کند: «أساسيات من فكر الإخوان المسلمين + المنهج الحركي للشهيد سيد قطب + الفقه السياسي الشرعي للإمام ابن تیمية والمدرسة السلفية + التراث الفقهي العقدي للدعوة الوهابية المنهج السياسي الشرعي الحركي للتيار الجهادي» (السوری، ۲۰۱۸: ۶۹۸) وی سلفی جهادی را متشکل از اصولی از اندیشه اخوان المسلمین به همراه شیوه جنبشی سید قطب و فقه سیاسی ابن تیمیه و مکتب سلفیه همراه با میراث فقهی اعتقادی دعوت وهابی می‌داند.

از یک منظر سلفیه جهادی به جریانی در درون سلفی‌گری گفته می‌شود که معتقدند یگانه

راه و روش برای رسیدن به حکومت اسلامی و از بین بردن طاغوت و ظلم، جهاد است. این گروه تنها خود را فرقه ناجیه می‌پندارد. سلفیه جهادی بیشتر حرکتی سیاسی برای تشکیل خلافت اسلامی است و ایدئولوژی آن بر سه محور تکفیر، هجرت و جهاد استوار است. این جریان الهام‌بخش بسیاری از گروه‌های تروریستی از جمله القاعده و داعش است که امروزه به بهانه پاک کردن جامعه اسلامی از جاهلیت و رفتارهای غیراسلامی و تشکیل حکومت و خلافت اسلامی، جنایات بسیاری کرده‌اند؛ و مبتنی بر سیاست‌های امریکا و اسرائیل جنگ، غارت و خون‌ریزی را در جهان اسلام نهادینه کرده‌اند. (فرمانیان، ۱۳۹۸: ۳۸۳).

ب) القاعده: «جبهه جهاد علیه صلیبیون و یهود» نام اصلی تشکیلات افراطی و تکفیری القاعده است. القاعده یا قاعدة الجهاد، یک سازمان جهادی چندملیتی که از جهادگرایان سلفی تشکیل شده است که در دوران جنگ جهاد افغانستان بین سال‌های ۱۹۸۸ تا اوایل ۱۹۹۰ به رهبری اسامه بن لادن تأسیس شد. این سازمان با نام «مجاهدین افغانستان» شناخته شد. (فرمانیان، ۱۳۹۸: ۴۵۰). القاعده به صورت نظامی و غیرنظامی در کشورهای مختلف، به ویژه باهدف تضعیف منافع ایالات متحده آمریکا، حملاتی را انجام داده است. برجسته‌ترین این حملات، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌باشد. اهداف القاعده شامل مقابله با تأثیرات خارجی در کشورهای اسلامی، برپایی خلافت اسلامی است. این سازمان باور داشت یک اتحاد مسیحی - یهودی برای نابودی اسلام توطئه می‌کند. (الزقاوی، ۲۰۰۵)

ج) داعش: سازمان دولت اسلامی که به نام «الدولة الإسلامية فی العراق والشام» و به اختصار نام داعش شناخته می‌شود، این سازمان مسلح و از ایدئولوژی گروه‌های جهادی سلفی پیروی و شاخه القاعده در عراق به شمار می‌رود. این گروه به رهبری ابومصعب الزرقاوی تشکیل شد و فعالیت‌های انتحاری و جنایات زیادی را در عراق و سوریه انجام داد. پس از کشته شدن الزرقاوی در سال ۲۰۰۶، ابو عمر البغدادی رهبری این گروه را در اختیار گرفت و با بهبود و قدرت گرفتن دولت عراق و کشته شدن او در سال ۲۰۱۰ با به روی کار آمدن ابوبکر البغدادی و هم‌زمان شدن با جنگ داخلی سوریه، زمینه فعالیت‌های تروریستی این گروه در سوریه گسترش یافت. (فرمانیان، ۱۳۹۸: ۴۸۷).

د) بوکوحرام: جماعت "أهل السنة للدعوة والجهاد" که پس از بیعت با داعش نام خود را

تغییر داد و به‌عنوان "بوکوحرام" شناخته می‌شود که به معنای "تعالیم غربی حرام است" است. گروه تروریستی سلفی جهادی که در نیجریه‌ای جنایات فجیعی را انجام داده است. (Chapter 6. Foreign Terrorist Organizations, n.d).

نقش زنان در گروه‌های سلفی جهادی

متون روایی و تاریخی اسلام درباره نقش زنان در جهاد با ابهام روبرو است. در طول نبردهای اولیه اسلامی، زنان عمدتاً از مجاهدان مجروح مراقبت می‌کردند، غذا و آب را به میدان جنگ می‌آوردند و اعضای خانواده خود را به حمایت و پیوستن به مبارزه تشویق می‌کردند. در متون تاریخی و روایی به حضور برخی از زنان در جهاد در اوایل اسلام اشاره شده است. روایت‌های معروفی از زنانی وجود دارد که در نبردهای صدر اسلام در کنار حضرت رسول ﷺ جنگیدند. نَسِیْبَه معروف به ام عماره در چند غزوه مثل خیبر و غزوه حنین، برای کمک به جنگجویان و زخمیان حضور داشت و به‌ویژه در غزوه أُحُد، چون پیامبر ﷺ را در تنگنا دید، جان‌فشانی بسیار از خود نشان داد. (الواقدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۶۸) یا صفیه بنت عبدالمطلب (عمه پیامبر) که گفته می‌شود در جنگ خندق یک یهودی را کشته و سر او را بریده است. (العیبری، بی تا: ۴) عایشه همسر پیامبر (ص) فرماندهی جنگ جمل را بر عهده داشته است که سؤال برانگیز است!

علی‌رغم وجود این گزارش‌ها از جهاد زنان در زمان پیامبر ص، بسیاری از علمای سلفی جهادی در دوره‌های بعدی رویکرد دیگری را اتخاذ کرده‌اند و جهاد زن را اموری مثل حج، شوهرداری و... معرفی کرده‌اند. (السید امام، ۱۹۹۹م: ۲۸) با این توصیف جای زیادی برای تفسیر و سؤال باقی می‌گذارد، از جمله آیا زنان باید در کنار مجروحان بمانند یا مستقیماً با دشمن درگیر شوند؟ با این حال، دودسته کلی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها برای توصیف ایده‌های گروه‌های سلفی جهادی درباره نقش زنان در جهاد استفاده کرد: نقش حمایتی در مقابل نقش فعال و کنشگر مبارز.

۱. نقش زن به‌عنوان کنشگر حامی جهادی

به‌طورکلی در گروه‌های سلفی جهادی، زنان به‌عنوان مادر، دختر و همسر مجاهدان نقش

حمایتی و تسهیل‌کننده دارند. اظهارات رهبران جهادی در مورد ارتباط این نقش‌های حمایتی نشان می‌دهد که این نقش‌ها از نظر اهمیت در درجه دوم قرار نمی‌گیرند. یوسف العییری^۱ (۱۹۷۳-۲۰۰۳)، وی معتقد است موفقیت یا شکست جهاد به تعهد و حمایت زنان بستگی دارد.

اسلام در اعصار درخشان خود بر کشورهای کفر پیروز نشد، مگر در مواقعی که زن مسئولیت خود را به عهده گرفت، زیرا اوست که فرزندان خود را برای جهاد تربیت می‌کند، اوست که اگر مرد به جهاد برود آبرو و مالش را حفظ می‌کند و فرزندان و شوهرش را به صبر و شکیبایی دعوت می‌کند، لذا می‌گوییم: پشت هر مجاهد بزرگ یک زن است (العییری، بی تا: ۳-۴).

اظهارات رهبران این گروه‌ها نشان می‌دهد زنان در این گروه‌ها به‌عنوان پشتیبانان کلیدی در تأسیس اراده، تحمل مشقت‌ها و افزایش موفقیت جهادی به شمار می‌روند.

الف. نقش مادری و همسری: حمایت و ایجاد انگیزه برای مجاهدان

یکی از چهره‌های اساسی زن در روایت جهادی، زنان به‌عنوان مادر یا همسر مجاهد در جهاد است. تأکید بیشتر بر غرور فوق‌العاده مادر یا همسر از مشارکت پسر یا شوهرش در راه خدا است! روایت جهادی مملو از چهره‌های نمونه زنان بیوه است که شوهران و فرزندان خود را در راه این گروه‌ها ازدست داده‌اند.

این نقش توسط ایدئولوگ‌های بانفوذ جهادی، از جمله اسامه بن لادن، تأکید می‌شود. بن لادن خاطر نشان کرد که نقش زنان به اندازه نقش مردان ارزشمند است، زیرا زنان نسل مردانی را به وجود آوردند که در فلسطین، لبنان، افغانستان و چین می‌جنگند (Bin Laden's, 1996). در میان علمای سلفی این اجماع تقریباً وجود دارد که نقش اصلی زنان در امور مراقبتی و حمایتی است؛ یعنی قبل از هر چیز ارزش‌گذاری زنان به‌عنوان مادر و همسر است و مهم‌ترین نقش او، تربیت فرزند است. به قول ایمن الظواهری، مجاهدین با مراقبت از خانه و فرزندان‌شان کار قهرمانانه‌ای انجام می‌دهند (الظواهری، ۲۰۱۰: ۵۲۰).

۱. اولین رهبر القاعده در شبه جزیره عربستان و یک ایدئولوگ بانفوذ جهادی است.

در نهایت، نقش مادری و همسری در جهاد نه تنها به حمایت و انگیزه‌بخشی برای مجاهدان منجر می‌شود، بلکه در ایجاد یک بستر پایدار برای ارتقای ایدئولوژی و اهداف گروه‌های سلفی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. این نقش‌آفرینی از تربیت نسل‌های آینده جهادی‌ها گرفته تا حفظ ارتباطات و پیوندهای درونی این گروه‌ها، نقش مؤثر و حیاتی خود را ایفا می‌کند.

ب. نقش مبلغ و استخدام‌کننده: انتشار ایدئولوژی و جذب نیروهای جدید

ظهور اینترنت فرصت ویژه‌ای را برای زنان فراهم کرده است که ایدئولوژی جهادی را در مقیاسی بی‌سابقه تبلیغ و منتشر کنند. یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی زنان در گروه‌های سلفی جهادی، فعالیت در فضای مجازی است که بسیار در گسترش این گروه‌ها تأثیرگذار بوده است. اسامه بن لادن در نامه‌ای به ملا عمر در سال ۲۰۰۲ نوشت: «بدیهی است که جنگ رسانه‌ای در این قرن یکی از قوی‌ترین روش‌هاست، در واقع، نسبت آن ممکن است به ۹۰ درصد از کل آمادگی برای نبردها برسد» (Combating Terrorism Center, 2014). ایمن الظواهری در سال ۲۰۰۵ در نامه‌ای به زرقاوی در حمایت از این دیدگاه اظهار داشت: «بیش از نیمی از این نبرد در میدان نبرد رسانه‌ها در حال وقوع است. ما در یک نبرد رسانه‌ای در رقابت برای قلب و ذهن امت خود هستیم» (الزعاترة، ۲۰۰۵). انور العولقی، «مبارزه با دروغ‌های رسانه‌های غربی»، «پیگیری اخبار جهاد و انتشار آن» و «انتشار نوشته‌های مجاهدین و علما» را به زنان پیشنهاد می‌کند. او می‌نویسد خواهران می‌توانند «مجاهدین اینترنتی» باشند (Awlaqi, 2009).

طی پژوهشی در دوره یک‌ساله از ژانویه ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۱۶، تیمی از محققان نزدیک به صد هزار توییت را از حساب‌های توییتری زنانه هواداران داعش جمع‌آوری کردند. این پژوهش نشان می‌دهد که حامیان زن داعش نقش‌های متعددی را در شبکه‌های اجتماعی آنلاین انجام می‌دهند. این تحقیق نشان می‌دهد زنان در شبکه‌های اجتماعی چند نقش دارند: «۱. تروریست، ۲. استخدام‌کنندگان، ۳. مبلغان، ۴. مهاجران (اعلام می‌کنند که رسماً به مناطق داعش آمده‌اند و تبلیغ می‌کنند)، ۵. زنان بیوه (در نقش مادر و همسر کشته‌شدگان تبلیغ می‌کنند)، ۶. دختران هوادار (افرادی که علاقه‌مند به داعش هستند؛ اما

از نظر ایدئولوژیک تعهد کمتری را به داعش دارند) و...؛ تجزیه و تحلیل این داده‌ها نشان می‌دهد که زنان داعش به طور انحصاری نقش‌های حمایتی را ایفا نمی‌کنند، بلکه انواع نقش‌های غیرسستی را نیز ایفا می‌کنند (Inch, 2017). در سال ۲۰۱۴، تخمین زده شد که بین ۴۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰ حساب توئیتری وابسته به داعش فعال بوده است. رسانه‌های اجتماعی سه کارکرد اصلی برای داعش و کاربران آن دارد: شکل‌گیری هویت، رادیکال‌سازی و استخدام (Inch, 2017).

ج. نقش تسهیل‌کننده و توانمندساز: زنان و تقویت زمینه‌های جهادی

ایدئولوگ‌ها و رهبران جهادی نسبت به زنان و نقشی که در پیشبرد امر جهاد ایفا می‌کنند معتقدند که موفقیت جهاد در گرو حمایت غیرنظامی زنان است. آن‌ها برای پیشبرد جهاد در عرصه داخلی و همچنین در عرصه عمومی از طریق جمع‌آوری پول برای جهادگران و تبلیغ فضیلت جهاد برای دیگران در مساجد، چاپ و نشریات آنلاین به زنان متکی هستند.

زنان علاوه بر کمک‌های مالی که جمع‌آوری می‌کنند، اطلاعات تاکتیکی، اسلحه و مواد منفجره را قاچاق و از مجروحان برای حمایت از جهاد مراقبت کرده‌اند؛ مانند زنان در القاعده که به باز کردن حساب‌های بانکی، ترجمه اسناد و انجام وظایف حسابداری برای این شبکه مشهور بوده‌اند. زنان الشباب نیز به طور مشابه به جمع‌آوری کمک‌های مالی برای این جنبش از داخل آمریکا و اروپا معروف‌اند (Davis, 2017).

شیخ عبدالله عزام با استناد به فتوای ابن تیمیه معتقد است، بر زنان واجب است که اگر اموال اضافی دارند، در صورتی که دشمن حمله کند با مال خود دفاع کنند (العزام، بی تا). القاعده در یکی از مجلات خود به نام *صدی الحیات* از زبان یک زن خطاب به زنان می‌نویسد: «زنان نقش بسزایی در گسترش مسائل مسلمانان و معرفی شرایط و مصیبت‌های آنان دارند. این در جمع‌آوری کمک‌های مالی برای مجاهدین و حمایت مالی از آن‌ها تأثیر بسزایی دارد، به خصوص که خطر ما زنان کمتر است و حاشیه آزادی عمل ما از مردان بیشتر از است. این ما را واجد شرایط می‌کند تا با استفاده از این شرایط بدون خطر قدم برداریم و نقش بیشتری ایفا کنیم» (صدی الجهاد، ۱۴۲۷: ۳۳). این مطلب نشان می‌دهد ایدئولوگ‌ها

و رهبران جهادی برای زنان نقش مهمی در موفقیت جهاد اختصاص می‌دهند، و زنان نه تنها در جمع‌آوری منابع مالی، بلکه در تسهیل تاکتیک‌ها و ارتقاء اراده جهادی نیز دارای نقش حیاتی هستند.

د. نقش برنامه‌ریز و طراح: تسهیل اجرای عملیات تروریستی جهادی

زنان در طرح‌ریزی و اجرای خشونت تروریستی مشارکت داشته‌اند. اخبار و رسانه‌ها گزارش‌های متعددی از برنامه‌های تروریستی زنان گروه‌های جهادی منتشر کرده‌اند. برای نمونه، عافیه صدیقی که از او به‌عنوان بانوی القاعده یاد می‌شود، به اتهام برنامه‌ریزی و تلاش برای کشتن آمریکایی‌ها در افغانستان در فهرست افراد تحت تعقیب آمریکا قرار گرفت. صدیقی در ایالات متحده در MIT تحصیل کرده و دکترای خود را از برنردیس دریافت کرده است. خانم صدیقی در سال ۲۰۰۸ در افغانستان با حمل سیانید سدیم دستگیر شد و همچنین اسنادی در مورد چگونگی ساخت سلاح‌های شیمیایی و بمب‌ها به او نسبت دادند (Harris, 2010). باین حال زنان به‌طور قابل توجهی از پست‌های رهبری در جهاد کنار گذاشته شده‌اند. یک استثنای معروف، «سامانتا لوت وایت» انگلیسی، بیوه یکی از بمب‌گذاران انتحاری حمله ۷ ژوئن در متروی لندن در سال ۲۰۰۵ است. او برهه‌ای رهبری الشباب را در دست داشته است (Davis, 2017:114).

۲. نقش زن به‌عنوان کنشگر مبارز جهادی

سید امام شریف که نام جهادی‌اش عبدالقادر بن عبدالعزیز است، به‌عنوان یک شخصیت کلیدی در جنبش جهادی جهانی توصیف شده است. او در کتابش از قول ابن قدامه برای وجوب جهاد هفت شرط را لازم می‌داند. اسلام، بلوغ، عقل، آزادی، مرد بودن، مصونیت از ضرر، وجود نفقه لازم است. وقتی عایشه از پیامبر (ص) روایت می‌کند که از ایشان سؤال کرده است، آیا زنان جهاد می‌کنند؟ فرمودند: جهادی که در آن قتال نباشد، (حج و عمره)؛ [یعنی حج واجب است که همانند جهاد مشقت و دور شدن از شهر را به همراه دارد؛ اما جهاد نظامی واجب نیست] زیرا که زنان با توجه به ضعفی که دارند اهل نبرد نیستند (السید امام، ۱۹۹۹م: ۲۸). او در ادامه می‌نویسد، این شروط ذکر شده درباره جهاد کفایی است و

در شرایط وجوب عینی جهاد بزرگان فقها نظر دیگری دارند و آن این است که در صورت وجوب عینی جهاد، بر زنان نیز جهاد واجب می‌شود که این از نظر ما محل اشکال است. این مسئله را فقها از قواعد فقهی برداشت کرده‌اند. در صورتی که نصوص خاص شرعی - که از جهاد زن منع می‌کند - با این قاعده مخالفت می‌کند و باید این را اخذ کرد (السید امام، ۱۹۹۹م: ۲۹). دکتر فضل می‌نویسد: «فقط در یک صورت بر زنان واجب است و آن هم جایی است که دشمن به خانه‌های زنان حمله کرده است در این صورت بر زنان واجب است که از خود و از کسانی که با آنها هستند دفاع کنند. مستند این کار هم کار صفیه بنت عبدالمطلب در غزوه خندق که در سیره آمده و روایتی صحیح است» (السید امام، ۱۹۹۹م: ۲۹). او از زنان می‌خواهد که آموزش‌های نظامی اولیه ببینند، اما فقط در صورت حمله به خانه‌هایشان، از آنها در چارچوب محدود دفاع شخصی استفاده شود.

یکی از اسناد بنیادین جهاد مدرن، کتاب و فتوای عبدالله عزام است که استدلال می‌کرد زنان باید در شرایط خاص اجازه شرکت در جنگ را داشته باشند. وی معتقد بود اگر به اندازه یک وجب به سرزمین‌های مسلمانان تعدی و حمله شود، جهاد بر تمام مردان و زنان مسلمان واجب عینی می‌شود. به گونه‌ای که فرزند نیازی به اجازه پدر و زن نیز به اجازه شوهر نیازی ندارد (عزام، ۲۰۱۶: ۱۹). در حالی که عزام تأثیر کلیدی بر القاعده و سازمان‌های جهادی بعدی داشت، دیدگاه سلفی جهادی غالب این بود که زنان باید به پیروی از نقش جنسیتی سنتی خود ادامه دهند. شرکت در «جهاد مردانه» با شرکت در جنگ یا انجام عملیات انتحاری، مغایر با ایدئولوژی بود.

عبدالله عزام درباره شرایط حضور زنان در جهاد می‌نویسد: «شرکت زنان در جهاد امری است که در شرع آمده است، اما باید شرایط شرعی رعایت شود: مانند محرم بودن، عدم اختلاط و خوف از فتنه نباشد به این صورت که زن جوان و زیبا نباشد و صورتش را در مقابل مردان بیپوشاند یا در مواقع ضرورت باشد که مردان جهاد را انجام نمی‌دهند» (العزام، بی تا). تعداد انگشت‌شماری از گروه‌های سلفی جهادی وجود دارند که از ایده ایفای نقش فعال زنان در جهاد حمایت می‌کنند. یکی از این گروه‌ها، سازمان موسوم به داعش است. در حالی که چند سازمان تروریستی سلفی وجود دارند که به زنان اجازه می‌دهند نقش فعالی در جهاد ایفا

کنند، برخی دیگر معتقدند زنان باید بیشتر از اینکه فعال باشند، در قامت حمایت‌کننده حاضر شوند. القاعده یکی از این گروه‌هاست. در چند سال گذشته بحث‌های زیادی در مورد جایگاه زنان در جهاد در میان رهبران شاخه‌های مختلف القاعده وجود داشته است.

در ۵ ژوئیه ۲۰۰۵، یک پیام صوتی یک‌ساعته توسط ابو مصعب الزرقاوی، رهبر القاعده در عراق، با عنوان: «أَيُّقُصُّ الدِّيْنُ وَأَنَا حَيٌّ؟» منتشر شد. او در سخنرانی معروف خود گفت: «این پیامی است برای زنان آزاده بین‌النهرین به‌ویژه و به‌طور کلی برای زنان. شما کجای این جهاد مبارک هستید؟ برای این ملت چه کردید؟ آیا در خود از خدا نمی‌ترسید؟ آیا فرزندان خود را طوری تربیت می‌کنید که بر سر سفره‌های ظالمان ذبح شوند؟ آیا به تسلیم‌شدن و دست‌کشیدن از این جهاد راضی هستید؟» (الزرقاوی، ۲۰۰۵). از سال ۲۰۰۵، زمانی که پیام صوتی زرقاوی منتشر شد، تعداد زنان بمب‌گذار انتحاری در عراق تقریباً افزایش یافته است.

با تبدیل شدن منازعات سوریه به یک جنگ داخلی کامل، الگویی بدیع از گرایش زیاد زنان به سرزمین جهاد پدیدار شده است. زنان مدت‌هاست که نقش مهمی در جهاد ایفا کرده‌اند، اما از زمان پیدایش داعش، هم‌پتانسیل و هم‌دامنه این نقش‌های زنانه گسترش یافته است. داعش ممکن است دیگر وجود نداشته باشد و شکست خورده باشد؛ اما جداییت جهاد در بسیاری از بخش‌ها کاهش پیدا نکرده است.

الف. مشارکت زنان در عملیات انتحاری

به‌کارگیری زنان در مواضع رزمی، از جمله به‌عنوان بمب‌گذار انتحاری، مزایای متعددی برای جنبش‌های جهادی به همراه دارد. این مزیت‌های تاکتیکی و استراتژیک علاوه بر دو برابر کردن تعداد نیروهای بالقوه، به فرضیات جنسیتی در مورد زنان و خشونت مربوط می‌شود که زنان را کمتر خشن می‌دانند و همین امر فرصت به‌کارگیری زنان را ایجاد می‌کند و آن را برای گروه‌های سلفی جهادی جذاب می‌نماید.

باین حال ابهام در گفتمان ایدئولوگ‌های علمای سلفی جهادی به‌صورت کامل وجود دارد. بااینکه برخی از آن‌ها عملیات انتحاری را جایز می‌دانند برخی دیگر با این روش مخالف هستند که نشان از تضادهای عمیق در گروه‌های سلفی جهادی است. تاکنون، تنها

جدایی طلبان چچن، القاعده در عراق و بوکوحرام به زنان اجازه داده‌اند که در موقعیت‌های شبه‌نظامی، عمدتاً به‌عنوان عوامل انتحاری در مقیاس قابل توجهی حضور داشته باشند (de Leede, 2018).

الطرطوسی نظریه‌پرداز معروف جهادی حملات انتحاری مردان و زنان را جایز نمی‌داند و به شدت از آن انتقاد می‌کند و آن را نوعی خودکشی می‌داند که اسلام اجازه آن را نمی‌دهد. «فضرورة الحفاظ على النفس ضرورة عظيمة تهون في سبيلها جميع الضرورات الأخرى (الطرطوسی، ۲۰۱۸)؛ ضرورت حفظ نفس، ضرورتی بزرگ است که همه ضروریات را دست‌کم می‌گیرد».

گروه سلفی جهادی بوکوحرام با نادیده‌گرفتن هنجارهای جهادی، از زنان بمب‌گذار انتحاری حمایت می‌کرد. این استفاده از زنان و دختران در آن زمان در دنیای جهاد بی‌سابقه بود و بیش از هر گروه دیگری برای عادی‌سازی نقش زنان به‌عنوان بمب‌گذار انتحاری تلاش کرد. بین سال ۲۰۱۱ و ژوئن ۲۰۱۷، بوکوحرام در طی ۲۳۸ حمله انتحاری ۴۳۴ بمب‌گذار انتحاری را استفاده کرد که حداقل ۵۶ درصد از آن‌ها زن بودند و حداقل ۸۱ بمب‌گذار به‌طور مشخص به‌عنوان کودک یا نوجوان شناسایی شدند که نسبت زنان بیشتر از هر گروه تروریستی دیگر در تاریخ ثبت شده است (Osasona, 2022).

با این وجود، اختلاف نظر میان متفکران سلفی - جهادی در نقش‌های زنان در این گروه‌ها، نشان از تناقضات جدی درون‌گفتمانی است که به نظر می‌رسد قابل حل نیست؛ اما این واقعیت وجود دارد که ممنوعیت حضور زنان در جهاد رزمی، چه از نظر تاکتیکی و چه از نظر ایدئولوژیک، هرگز سفت‌وسخت نبوده است، بلکه متناسب با موقعیت‌ها در محافل جهادی به چالش کشیده شده و تعدیل شده است.

ب. نقش زنان در جریان‌های جهادی

۱. زنان در گروه القاعده: نقش زنان در سازمان القاعده از نقش سنتی به نقش جهادی تحول یافته است و زنان درون سازمان نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند که شامل حفظ امنیت یا پلیس زنان، پرستاری و پزشکی و تعلیم و تربیت اسلامی است. وقتی مردان برای

جنگ و جهاد خارج می‌شوند، برخی از زنان مسئول حفظ امنیت و نظم در محلات می‌شوند و برخی دیگر به‌عنوان پلیس زنان، به حل و فصل مشکلات و تخلفات زنان می‌پردازند. به دلیل تجربه افغانستان و ناآگاهی زنان، زنان فقط توسط مردان معاینه می‌شوند؛ بنابراین، نقش پرستاری و پزشکی نیز به زنان داده شده است. همچنین، زنان با ارائه آموزش‌های شرعی به دیگر زنان، سعی در جلوگیری از اختلاط و همچنین ارائه تصویر جدید از سازمان و تلاش برای آموزش زنان بر اساس شریعت دینی دارند (فرغلی، ۲۰۲۱).

القاعده به‌صورت هوشمندانه استفاده از رسانه‌ها و مجلات برای دعوت زنان را در دستور کار خود دارد. در یکی از شماره‌های «صدی الملاحم»، ام حجر الازدیة از زنان می‌خواهد به مجاهدین بپیوندند؛ زیرا که سایر مردان در نقاط دیگر مثل حرمین شریفین قادر به محافظت از زنان نیستند و ابرمرد همان مجاهد است که همه دختران آرزوی آن را دارند (مجله صدی الملاحم، ۱۴۳۱: العاشر). در یکی از مقاله‌ها با عنوان «المرأة المجتدة» است که در آن دو نویسنده «ام الحسن» و «ام عبدالرحمن» به سربازان زن در همه کشورها به‌ویژه کشورهای عربی حمله می‌کنند و اشاره می‌کند که فساد در حال گسترش است و توطئه‌گران به دنبال آن هستند که زن را از حجاب خود دور کنند و او را به سمت هوی و هوس بکشانند و او را شبیه زنان غربی از خانه بیرون کنند و او را وارد ارتش کنند و سرباز طاغوت کنند و این‌ها به نام آزادی و دموکراسی است. در پایان این دو نویسنده توصیه می‌کنند که زنان سرباز راه خدا شوند (مجله صدی الملاحم، ۱۴۳۱: العاشر، ۴۸). این تناقض که در چند خط ظاهر می‌شود، استراتژی را نشان می‌دهد که سازمان القاعده برای جذب و استخدام زنان در رده‌های خود اتخاذ کرده‌اند. برای زنان حرام است که در زیر حکومت‌های عربی «کافر» به‌عنوان سرباز وارد شوند و اگر این کار را انجام دهند، از دین و پروردگار خود خارج می‌شوند؛ اما اگر می‌خواهند به این سازمان‌ها بپیوندند، این کار بی‌اشکال است و حتی به‌عنوان جهاد در راه خدا شمرده می‌شود!

- ۱- در مجله صدی الملاحم، مجله بزرگ القاعده زنان را به این نکات توجه می‌دهد:
- ۲- دفاع از ارکان سازمان با بیان و تبیین حقایق به صریح‌ترین شکل،
- ۳- کمک مالی به مجاهدین و لو جزئی و تلاش برای جمع‌آوری نذورات،
- ۴- دعا برای

پیروزی و توانمندی آن‌ها، ۵- دوری از تجمل؛ زیرا تجمل‌گرایی دشمن جهاد است ۶- تربیت فرزندان باایمان، بر اساس مردانگی، پهلوانی و جهاد (صدی الملاحم، ۱۴۲۹: العدد الثانی) به نظر می‌رسد که زنان در القاعده به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول: همسرانی که بدون انتخاب مجبور به تسلیم شدن در برابر شوهران خود می‌شوند. دوم: زنانی که به ایدئولوژی افراطی متقاعد شده‌اند که به دنبال عضویت داوطلبانه به سازمان و انتشار افکار آن هستند، مانند اسماء البخاری، رهبر گروه تروریستی «شبائو» که احساسات مادری را فراموش کرد. او جان دو فرزندش را به خطر انداخت و حاضر به تسلیم نشد و با نیروهای امنیتی تبادل آتش کرد. سوم: زنان دلسوز و علاقه‌مند به سازمان و ایده‌های آن (الشرق الأوسط، ۲۰۱۷).

۲. زنان در گروه داعش: داعش به‌عنوان یک سازمان سلفی جهادی، ریشه‌های ایدئولوژیک خود را به القاعده در عراق می‌رساند. مهاجرت هزاران جنگجوی خارجی زن غربی به مناطق تحت کنترل داعش، اثربخشی تبلیغات آن را نشان می‌دهد. نقش زنان در خلافت در طول سال‌ها از نقش‌های کمکی به نقش‌های فعال‌تر، به‌ویژه به‌عنوان مقامات پلیس، استخدام‌کنندگان و تبلیغ‌کنندگان گسترش یافت (Gan et al, 2019).

یکی از مفصل‌ترین بیانیه‌های داعش درباره مسئله زنان، «مانیفست زنان توسط تیپ الخنساء» است. در مقدمه این رساله آمده است: «سندی است برای روشن کردن نقش زنان مسلمان و نقش زنان در حکومت داعش» (Islamic State, 2015). زنان باید در خانه باشند و تنها در شرایط خاص از خانه خارج شوند. همیشه ترجیح داده می‌شود که یک زن پنهان و محجبه بماند تا جامعه را از پشت این حجاب حفظ کند. سند «زنان دولت اسلامی: مانیفست و مطالعه موردی» می‌گوید مغازه‌های مد و سالن‌های زیبایی به‌عنوان کار شیطان محکوم می‌شوند. به نظر، مانیفست داعش درباره زنان در نوع خود اولین است. در این بیانیه درباره آموزش زنان آمده است: از سنین هفت تا نه سالگی، سه درس فقه، قرآن و علم حسابداری وجود خواهد داشت. از ساعت ۱۰ تا ۱۲، مطالعات دینی، به‌ویژه فقه، بیشتر فقه مربوط به زنان و احکام ازدواج و طلاق مطرح خواهد شد. علاوه بر آن مهارت‌هایی مانند نساجی و بافندگی، آشپزی نیز آموزش داده می‌شود. از ۱۳ تا ۱۵ سالگی، تمرکز بیشتر بر

شریعت و همچنین مهارت‌های فرزندپروری و کمتر به علمی که اصول اولیه آن قبلاً آموزش داده شده است، خواهد بود. علاوه بر این، در مورد تاریخ اسلام، زندگی پیامبر و صحابه او آموزش داده خواهد شد (Islamic State, 2015).

ازدواج دختر در ۹ سالگی مشروع تلقی می‌شود. اکثر دختران پاک در سن ۱۶ یا ۱۷ سالگی ازدواج می‌کنند، در حالی که هنوز جوان و فعال هستند. این رساله می‌گوید الگوی غربی برای زن شکست خورده است، زیرا زنانی که سرکار می‌روند به جای دین، «عقاید فاسد و عقاید غلط فکری» یاد می‌گیرند! این راهنمای جهادی می‌گوید: «وظیفه اساسی زن این است که با شوهر و فرزندان خود در خانه باشد و تنها در شرایط استثنایی برای خدمت به جامعه از خانه خارج شود، برای جهاد در شرایطی که مرد وجود ندارد. برای تحصیل دین، درمان و معلمان زن مجاز به ترک خانه هستند، اما باید به شدت به دستورالعمل‌های شرعی عمل کنند» (Islamic State, 2015).

۳. زنان در گروه بوکوحرام: بوکوحرام یک گروه مسلح جهادی سلفی در نیجریه است. این گروه مرتکب قتل عام‌هایی از جمله قتل ۵۹ دانش‌آموز در فوریه ۲۰۱۴ و آدم‌ربایی دسته‌جمعی از جمله ربودن ۲۷۶ دختر دانش‌آموز در چیبوک، ایالت بورنو، نیجریه، در آوریل ۲۰۱۴ شد (Manuel, 2014).

سوءاستفاده از زنان یکی از ابعاد مهم استراتژی گروه تروریستی بوکوحرام است. بوکوحرام با اتخاذ تاکتیک‌های جنسیتی از آسیب‌پذیری زنان برای ترویج برنامه‌های جهادی و ضد غربی خود سوءاستفاده می‌کند. این گروه زنان را با تجاوز جنسی، آدم‌ربایی مسلحانه، ازدواج اجباری و اسارت قربانی می‌کند. بوکوحرام همچنین زنان را با استفاده از آن‌ها به عنوان ابزار جنگی؛ مانند بردگان جنسی، سپر انسانی و بمب‌گذاران انتحاری، عینیت می‌بخشد (Okoli, 2022). در حالی که اکثر این حملات بمب‌گذاری انتحاری بوده است و نشان می‌دهد که تصمیم مجرم برای به کشتن خود با اراده خود او صورت گرفته؛ اما با این حال، بسیاری از حملات بوکوحرام توسط دخترانی انجام شد که برای داشتن عاملیت بسیار کم‌سن‌وسال بودند. افرادی مانند قربانیان تجاوز جنسی و کسانی که در معرض آسیب‌های روانی قرار گرفته‌اند، استقلال خود را برای این انتخاب سلب کرده‌اند. در مقابل

صرف نظر از انگیزه، شواهدی وجود دارد که زنانی نیز واقعاً فعالانه در فعالیت‌های بوکوحرام شرکت کرده‌اند (Bloom, 2016).

تغییرات نقش زنان در جهاد

گروه‌های سلفی جهادی اساساً ماهیتی مردانه دارند. نشریات سازمان، چه شخصی و چه رسمی، مانند صدی الجهاد، نشان می‌دهد که زنان نقشی معمولی به‌عنوان مربی، خدمت‌گزار شوهر یا جمع‌آوری کمک‌های مالی داشتند. این مطلب از توضیحات گذشته و همچنین ادبیات سازمان مشخص است. با این حال، نقش زنان پس از مرحله افغانستان، در دوره اشغال عراق توسط آمریکا، به‌ویژه در سال ۲۰۰۴ با تأسیس شاخه القاعده در عراق توسط ابو مصعب الزرقاوی، تکامل یافت. بر اساس آنچه یوسف بن صالح العییری (بنیان‌گذار شاخه عربستان سعودی القاعده) در کتاب خود: «دور النساء فی الجهاد» به برخی از زنان الگو مثل ام عمر مکیه اشاره می‌کند، پیرزنی که پسرش را برای شرکت در جنگ افغانستان فرستاد. نقش این زن پشتیبان جهادگران است (العییری، بی تا: ۱۶). که بر اساس همان مدل کلیشه‌ای سنتی القاعده است. البته او از زنی با نام حواء برای یاد می‌کند که در افغانستان در یک عملیات انتحاری شرکت می‌کند و کشته می‌شود (العییری، بی تا: ۱۷).

سمیره عواطلة، همسر عبدالله عزام معروف به «ام محمد» با تأیید این نقش سنتی در این دوران، درباره نقش‌های سنتی زنان در دهه نود صحبت کرد. آن‌ها به‌عنوان همسران مجاهدین نقش حمایت، آموزش و مراقبت را ایفا می‌کنند (رحمة محمود، ۲۰۱۸). مهم‌ترین تحول در نقش زنان در القاعده از طریق یوسف العییری و شبکه او در عربستان سعودی موسوم به سازمان «قاعدة الجهاد فی جزيرة العرب» رخ داد. نقش رسانه‌ای جهادگران القاعده در شبه‌جزیره عربستان با تأسیس «دفتر رسانه زنان در شبه‌جزیره عربستان» به اوج خود رسید که مجله «الخنساء» را منتشر کرد (رحمة محمود، ۲۰۱۸).

تشدید فرقه‌گرایی و جنگ داخلی در سایه اشغال عراق توسط آمریکا و دستگیری بسیاری از افراد وابسته به اهل سنت علاوه بر آزارهایی که در زندان‌های عراق نیروهای آمریکایی علیه مردان و زنان انجام می‌دادند، باعث شد زرقاوی متأثر از آن در عراق به انتقام و جهاد علیه

آمریکایی‌ها رو بیاورد. جهادی که نیاز به نقش‌های جدید برای زنان دارد. پس از کشته‌شدن «الزرقاوی» در سال ۲۰۰۶ ابو عمر البغدادی نیز همین مسیر را در پیش گرفت و اولین گردان استشهدادی در عراق به نام الخنساء اعلام موجودیت کرد. ده‌ها بمب‌گذاری انتحاری توسط زنان در دوره ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ انجام شد. تغییر از نقش سنتی به نقش رادیکال‌تر با مقاومت بزرگی از سوی جریان موسوم به «عبدالله عزام» در القاعده مواجه شد. این جریانی است که به ضرورت محدود کردن نقش زنان فقط در بخش حمایتی و خدماتی معتقد است و یکی از پیش‌گامان این جریان، امیمه حسن، همسر ایمن الظواهری، رهبر القاعده بود که در پیامش به خاطر نیاز زنان به محرم، مخالف حضور آنان در جهاد بود (حجازی، ۲۰۱۰).

سمیره عواطلة (همسر عبدالله عزام) که او را «مادر مجاهدین پشاور» می‌گفتند، می‌گوید: در آن دوره شاهد حضور هیچ زنی در عملیات‌های جهادی نبودیم. برخی از آن‌ها نقش‌های لجستیکی و مأموریت‌های رسانه‌ای جزئی داشتند. اردوگاه‌های القاعده در افغانستان گهگاه شاهد ورود زنان مبارز و برای دوره‌های کوتاه و متناوب در صحنه‌ای بود که از آن به‌عنوان «گردشگری جهادی» یاد می‌شود. این امر به‌منظور تأمین ثبات روانی مبارزان از طریق ملاقات با مادران و همسران و از سوی دیگر، این فرصت مهمی برای رهبران سازمان است تا پس از بازگشت زنان به جوامع اولیه، حمایت مردمی را بسیج کنند (هدی الصالح، ۲۰۱۵).

به نظر می‌رسد که استفاده از زنان جهادی در وهله اول سیاسی بوده است، با توجه به آنچه بدره قعلول تعریف می‌کند که نقش زنان در سازمان‌های تروریستی در مادری خلاصه می‌شود. این نقش به‌عنوان یک وظیفه روانی برای تقویت انگیزه‌ها و افکار افراطی، از طریق تزریق آن‌ها به نسل جوان و ایجاد نسلی جدید از تروریست‌ها، تلقی می‌شود (الشرق الأوسط، ۲۰۱۷).

تضادهای گفتمان و عملکرد گروه‌های سلفی جهادی نسبت به زنان

تضادهایی بین گفتمان و عملکرد در گروه‌های سلفی جهادی نشان می‌دهد که مشروعیت این گروه‌ها به‌شدت بی‌ثبات است. تفسیرهای غلط و متفاوتی که از متون دینی و سلف دارند، چالش‌هایی است که این گروه‌ها با آن مواجه هستند.

سؤالات اساسی در میان گروه‌های سلفی وجود دارد که چه کسی حق دعوت به جهاد را دارد، چه کسی می‌تواند مسلمانان را تکفیر کند و آیا شورش خشونت‌آمیز علیه یک حاکم مسلمان مشروع است یا خیر؟! ایدئولوگ‌های جهادی بیش از همه توسط علمای برجسته وهابی نقد می‌شوند، زیرا هر دو مشروعیت خود را از یک سنت می‌گیرند و دارای یک حوزه مذهبی اصلی هستند.

۱. هجرت زنان به سرزمین‌های جهادی

گروه‌های سلفی اصرار دارند که بر هر مسلمانی واجب است به مناطق تحت نظر خلافت هجرت کنند (Dabiq, 2017, 7: 50-52). در این میان موضوع مهم و کلیدی امکان پیوستن زنان به سرزمین جهاد، بدون «محرم» است. عبدالله عزام امکان رفتن زن را بدون اجازه شوهر به افغانستان باز کرد. تأکید داعش بر اهمیت «هجرت» زنان با محرم است؛ اما شاهدیم که در مقام عمل، این نظر امکان‌پذیر نبوده و اجرا نمی‌شود. بسیاری از زنان غربی از سال ۲۰۱۲ به تنهایی به سوریه سفر کرده‌اند و به نظر نمی‌رسد که به هیچ‌وجه برای آن مجازات شده باشند.

به صورت کلی باید توجه داشت که فراتر از گفتمان، یک قاعده مهم در گروه‌های فکری وجود دارد و آن عمل به آموزه‌ها و سازگاری درون‌گفتمانی است؛ اما با تعجب این تناقضات در گروه‌های سلفی - جهادی فراوان است.

۲. اختلاط جنسیتی در جهاد

با حضور زنان جهادگر در گروه‌های سلفی - جهادی، یکی از اصول اصلی مردسالاری که تفکیک شدید نقش‌ها بین دو جنس است زیر پا گذاشته می‌شود. درحالی‌که استخدام‌شده‌های زن تعداد پیروان گروه را افزایش می‌دهند، اما سربازگیری آن‌ها ممکن است به دلیل اعتقادات جنسیتی سنتی‌شان، مقاومت و اعتراض ایدئولوژیک را در گروه‌های تروریستی پدرسالار ایجاد کند و درنهایت، ممکن است مشروعیت گروه را بی‌ثبات کند (Loken, 2021, 24).

۳. از شعار آزادی تا بردگی اجباری زنان

یکی از شعارهای گروه‌های سلفی جهادی آزادی زنان از استعمار و غرب است؛ اما شاهدیم برخی از این گروه‌های سلفی مثل داعش و بوکوحرام اعمال خشونت‌بار بی‌شماری مثل تجاوز جنسی، آدم‌ربایی، قاچاق زنان و دختران را انجام داده است.

۴. نقش زنان در گروه‌های جهادی: از تاکتیک تا استراتژی

با مروری بر درگیری‌های سوریه و عراق، میزان نقش زنان بیشتر به دلیل شرایط خاص گروه جهادی تعیین شده است تا مبانی ایدئولوژیک این گروه‌ها. گروه‌های جهادی زمانی که متحمل خسارات سنگین می‌شوند یا دچار ضعف می‌شوند، ممنوعیت مبارزه زنان را کاهش می‌دهند. تصمیمات برای اعزام زنان به جنگ پاسخی به محدودیت‌ها و تلفات است. شاید بتوان بیان کرد مشارکت زنان در عملیات‌های رزمی، ابزاری برای تقویت سربازگیری بوده است نه اینکه صفوف با زنان تکمیل شود؛ بلکه در یک بازی روانی مردان از عدم حضور شرمنده شوند و به این گروه‌ها بپیوندند. پس از حمله انتحاری در سال ۲۰۰۲، سرمقاله‌ای در هفته‌نامه سلفیون مصری منتشر شد که در آن چنین آمده بود: «این زن، زنی است که مایه افتخار زنان این ملت است. آبرویی که مردان را شرمنده می‌کند، شرمندگی که جز با خون پاک نمی‌شود» (Von Knop, 2007).

مشارکت رزمی زنان در جهاد بر اساس چنین واقعیت‌های عملیاتی توجیه شده است. آنچه ملاحظات تاکتیکی بود به انتخاب استراتژیک تبدیل شد. باین حال پس از زمان ظهور داعش، شرکت زنان در جنگ از مجاز بودن در شرایط خاص به اجبار تبدیل شد. داعش انتخاب‌های تاکتیکی خود را تبدیل به استراتژی کرد و با بیان اینکه زنان موظف به شرکت در جنگ هستند، یک گام فراتر گذاشت.

دیده‌بان افتا وابسته به دارالفتاء مصر در گزارش سال ۲۰۱۸ پس از بررسی ۵ هزار فتوا نشان داد که ۲۵ درصد فتاوا در کل جهان مختص به زنان است. همچنین داعش با ۵۰ درصد و القاعده ۳۵ درصد در رتبه دوم است همچنین تناقض فتاوی داعش درباره زنان را با عملکرد میدانی آن فاش کرد. دیده‌بان اظهار داشت که دخالت عناصر زن در عملیات‌های رزمی،

واقعیت ورشکستگی ایدئولوژیک سازمان را آشکار می‌سازد و میزان عملکرد آن را برملا می‌کند که با فتوایی که مطرح می‌کنند در محورهای مختلف، در تضاد است. این مرکز اعلام می‌دارد: نظرات سازمان در مورد زنان، مؤید ناآگاهی این سازمان از حقوق و تکالیف زنان در اسلام است. بررسی چشم‌انداز داعش نشان‌دهنده غلبه سادیسم خشونت‌آمیز بر ذهنیت اعضای این سازمان در برخورد با زنان است. بیشتر نوشته‌های سازمان نشان‌دهنده تحقیر زن و سلب حقوق انسانی آنان است (المؤشر العالمی للفتوی، ۲۰۱۹).

نتیجه

در این مقاله، به بررسی نگرش سیاسی گروه‌های سلفی جهادی نسبت به نقش زنان در جهاد پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد که نقش زنان از صورت سنتی کنشگر حامی جهادی به نقش کنشگر مبارز جهادی تغییر یافته و مشارکت فعال زنان در عملیات‌های جنگی و حتی مشارکت به‌عنوان رزمنده یا بمب‌گذار انتحاری، جدی و رادیکال‌تر شده است. این تغییر در نگرش از طریق تأثیرات سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک و رسانه‌ای به وجود آمده است.

استفاده از زنان در عملیات رزمی و جنگی توسط گروه‌های سلفی جهادی دارای مزایای تاکتیکی و استراتژیک است. با استفاده از زنان، تعداد نیروهای بالقوه دو برابر می‌شود و فرصت به‌کارگیری زنان را ایجاد می‌کند. در سطح گفتمانی برخی علمای سلفی جهادی عملیات انتحاری را جایز نمی‌دانند، درحالی‌که برخی دیگر با این روش موافق هستند و از زنان برای عملیات‌های انتحاری بهره می‌گیرند که این گروه‌ها را با چالش روبرو می‌کند.

هرچند گروه‌های سلفی جهادی از شعارهای حمایت از زنان به‌منظور جذب زنان به مناطق جنگی استفاده می‌کنند، اما مشاهدات نشان می‌دهد زنان در این مناطق مورد سوءاستفاده جنسی، آدم‌ربایی و قاچاق قرار می‌گیرند. این اقدامات نه تنها حقوق زنان را نقض می‌کند، بلکه باعث آسیب جدی به زنان می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد نگرش‌های گروه‌های سلفی جهادی به نقش زنان در جهاد تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و نظرات رهبران جهادی تغییر می‌کند. این تغییرات ممکن است نتیجه تضاد گفتمانی این گروه‌ها باشد. هرچند که تغییرات نگرشی اتفاق افتاده

بررسی نگرش سیاسی گروه‌های سلفی جهادی.... مهدی یوسفی طاهها (۳۱۰-۲۸۷) / ۳۰۹

است، اما نقش زنان همچنان با چالش‌ها و تنش‌ها در برابر گفتمان جهادی و سلفی مواجه است.

در نهایت تناقضات در گفتمان جهادی و عملکرد آنان نشان می‌دهد این گروه‌ها با تفسیر خودسرانه و سلطه‌گرانه از متون دینی و سلف، سعی در توجیه خشونت و تکفیر دارند. اما در عین حال، با مشکلات و چالش‌های عملیاتی و ایدئولوژیک روبرو هستند که باعث بروز تضاد بین گفتمان و عمل می‌شود. این تضاد در موضوعات مختلفی مانند نقش زنان در جهاد، اختلاط جنسیتی، برده‌داری زنان، هجرت به سرزمین‌های جهادی و شورش علیه حاکم مسلمان آشکار است. این تضاد نشان‌دهنده بی‌ثباتی و ضعف مشروعیت گروه‌های سلفی جهادی است. در نتیجه، می‌توان گفت که گروه‌های سلفی جهادی با چرخش بر اساس موقعیت و نادیده گرفتن مبانی خود، به دام تناقض افتاده‌اند.

کتابنامه

الزرقاوی، ابومصعب. (۲۰۱۲). رسالة من أبي مصعب الزرقاوي إلى علماء الأمة ودعاتها. شبكة أنصار المجاهدين.

الزرقاوی، ابومصعب، (مجرى). (۲۰۰۵). اینقص الدین وانا حی. منبر التوحید و الجهاد.

الزرقاوی، فؤاد حسین. (۲۰۰۵). الجيل الثاني من القاعدة. صحيفه القدس العربی.

الزعائرة، یاسر. (۲۰۰۵). قراءة في رسالة الظواهری إلى الزرقاوي.

قراءة في رسالة الظواهری إلى الزرقاوي - ۲/۲۰۰۵/۱۰/۲۳/۲۰۰۵
<https://www.aljazeera.net/opinions/23/10/2005/2>

الصالح، هدی. (۲۰۱۵). بنات الإرهاب: أمهات انتحاريات وأخوات مسلمات.

الطرطوسی، ابوبصیر. (۲۰۱۸). العمليات المسماة بالاستشهادية.

الظواهری، ایمن محمد ربیع. (۲۰۱۰). مجموع أبحاث ورسائل وتوجيهات. نخبة اعلام الجهادی.

العبيري، يوسف، (مجرى). (بی تا). دور النساء في الجهاد الاعداء. منبر التوحید و الجهاد.

المؤشر العالمي للفتوى. (۲۰۱۹). يُحلل أكثر ۵ آلاف فتوى خاصة بالمرأة: - فتاوى المرأة تشكل ۲۵٪ من إجمالي فتاوى العالم.

الواقدي، محمد بن عمر. (۱۴۰۹). المغازی. دار الأعلمی.

حجازی، اکرم. (۲۰۱۰). القاعدة تكسب الجماعة المقاتلة. در تعليق على رسالة زوجة الظواهری. منشورات التوحید و الجهاد.

سوری، ابومصعب. (۲۰۱۸). دعوة المقاومة الإسلامية العالمية. مكتبة الجيل الثالث الالكتروني.

عبدالعزیز الشریف، عبدالقادر. (١٩٩٩). العمدة فی إعداد العدة للجهاد فی سبیل الله تعالی. دار البیارق.
عزام، عبدالله. (١٤١٠). إتحاق العباد بفضائل الجهاد. الشاملة الذهبية.
عزام، عبدالله. (٢٠١٦). الدفاع عن أراضي المسلمين أهم فروض الأعیان. مؤسسه المرابطين لدعم الجهاد و
المجاهدين.
فرغلی، ماهر. (٢٠٢١). المرأة الجهادية والخروج عن الدور التقليدي. مؤسسة مؤمنون بلا حدود.
فرمانیان، مهدی؛ و جمعی از نویسندگان. (١٣٩٥). جریان شناسی سلفی گری معاصر. دار الاعلام لمدرسه
اهل البيت.

محمود، رحمه. (٢٠١٨). المرأة «القاعدية»، دورها بدأ خدميًا وانتهى انتحاريًا.

- Bloom, Mia. (2007). Female Suicide Bombers: A Global Trend on JSTOR. *Daedalus*, 36(1), 94-102.
- Bloom, Mia; & Matfess, Hilary. (2016). Women as Symbols and Swords in Boko Haram's Terror. *Prism*, 6(1), 105-121.
- Davis, Jessica. (2017). *Women in Modern Terrorism; From Liberation Wars to Global Jihad and the Islamic State*. Rowman & Littlefield.
- de Leede, Seran. (2018). Women in Jihad: A Historical Perspective. *icct Policy Brief*, 1-16.
- Frayner, Lauren. (2008). Al-Qaeda's Stance on Women Sparks Debate.
- Harris, Shane. (2014). Lady al Qaeda: The World's Most Wanted Woman.
- Inch, Rachel. (2017). Jihad and Hashtags: Women's Roles in the Islamic State and Pro-Jihadist Social Networks. *MA Research Paper*, (13), 1-35.
- Islamic State. (2015). A Brief Interview with Umm Basīr Al-Muhājirah. *Dabiq*, (7), 50-52.
- LLetter to Mullah Mohammed 'Omar from Usama bin Laden .(Combating Terrorism Center 2002).
- Loken. (2020). "Both Needed and Threatened": Armed Mothers in Militant Visuals.
- Okoli, Al Chukwuma. (2022). Gender and Terror: Boko Haram and the Abuse of Women in Nigeria.
- Osasona, Tosin. (2022). Victims or vanguards of terror: Use of girls as suicide bombers by Boko Haram. *Cogent Social Sciences*, 8(1), 1-12. Doi: 10.1080/23311886.2022.2028956
- Ruth Gan, Jeffery Chin, Loo Seng Neo; & Khader, Majeed. (2019). Change is the Only Constant: The Evolving Role of Women in the Islamic State in Iraq and Syria (ISIS). *Women & Criminal Justice*, 29(4-5), 204-220. oi:10.1080/08974454.2018.1547674
- U.S Department of State. (2013). Foreign Terrorist Organizations.
- Von Knop, Katharina. (2007). Female Jihad: Al Qaeda's Women. *Studies in Conflict & Terrorism*, 30(5), 397-414. Doi: 10.1080/10576100701258585
- Winter, Charlie; & Margolin, Deborah. (2017). The Mujahidat Dilemma: Female Combatants and the Islamic State. *combating terrorism center*, 10(7), 23-28.